

صلاحیت مراجع داوری برای تجدید نظر: بازخوانی رویه دیوان داوری ایران- ایالات متحده

حمید رضا علومی یزدی

استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۵

چکیده

در موارد سکوت موافقت نامه داوری و مقررات شکلی حاکم بر داوری در خصوص تجدید نظر، موضوع صلاحیت مرجع داوری برای تجدید نظر و نیز موارد آن از موضوعات چالش برانگیز بویژه در داوری های فراملی و بین المللی، می باشد. دیوان داوری ایران- ایالات متحده هر گاه با موضوع درخواست تجدید نظر در آراء خود روبرو بوده به فقدان نص استناد نموده است، اما در عین حال به تبعیت از بسیاری از مراجع بین المللی به وجود "صلاحیت و یا اقتدار ذاتی یا نهفته" خود برای تجدید نظر در موارد بسیار محدودی مانند جعل و ارتشاء اشاره می کند؛ مع الوصف از اعمال این اقتدار و صلاحیت به دلیل عدم انطباق مصادیق مطروحه با آن موارد محدود امتناع کرده است. نهایتاً در تاریخ اول ژوئیه ۲۰۱۱، هیئت عمومی دیوان در پاسخ به درخواست دولت جمهوری اسلامی ایران برای تجدید نظر در رای جزئی صادره در خصوص پرونده معروف به "ب-۶۱" (38 Iran-U.S. C.T.R., 197)، وجود اختیار و صلاحیت ذاتی را برای خود در مورد تجدید نظر بطور کلی منتفی دانسته است. در این تصمیم که به صورت اجماعی و با امضای موافق تمامی داوران صادر شده، ایجاد چنین صلاحیتی برای دیوان به پیش بینی آن در مقررات شکلی دیوان موکول گردیده است.

واژگان کلیدی: تجدید نظر؛ داوری بین المللی، دیوان داوری ایران- ایالات متحده، صلاحیت ذاتی

مقدمه

بی تردید تحقق عدالت هدف غایی هر دادرسی اعم از قضایی و یا شبه قضایی تلقی می‌شود، اما در کنار این ملاحظه، ملاحظات دیگری مانند ضرورت قطعیت و لازم الاجرا شدن احکام و تصمیمات مراجع حل و فصل کننده اختلافات نیز وجود دارد. از همین رو، امکان تجدید در آراء مراجع داوری نیز می‌تواند با دلایل مخالف و موافقی روبرو شود. از جمله دلایل مخالفین تجدید نظر در داوری موارد ذیل است:

- امکان تجدید نظر در آرای داوری ها با اصل سرعت در رسیدگی که یکی از مزیت‌های عمده داوری می‌باشد، مغایر است.
- تجدید نظر بر خلاف اصل نهایی و لازم الاجرا بودن آرای داوری و اعتبار امر مختوم است.
- تجدید نظر اجرای رای را به تعویق می‌اندازد.
- تجدید نظر هزینه بر است.

از طرف دیگر موافقان تجدید نظر نیز ممکن است به وجوه ذیل استناد کنند:

- تجدید نظر بر دقت آراء می‌افزاید و امکان اشتباه را کاهش می‌دهد، پس در جهت تحقق عدالت است.
- امکان تجدید نظر می‌تواند مانع از ابطال رای داوری شده و یا موانع شناسایی و اجرا را مرتفع نماید.

قبل از ورود در جزئیات، لازم است چند فرض مختلف را از هم تفکیک نمود و موضوع بحث را دقیقاً مشخص کرد. نخست آنکه تجدید نظر در داوری زمانی موضوع اختلاف نظر است که در موافقت نامه داوری و یا قانون شکلی حاکم بر داوری در این زمینه با سکوت مواجه باشیم. بدیهی است در مورد امکان تجدید نظر در فرض پیش بینی آن در موافقت نامه داوری و یا قانون شکلی حاکم بر داوری اختلاف نظری وجود ندارد.

دوم اینکه، در مواردیکه به موجب قانون حاکم بر داوری امکان ابطال یا بطلان رای داوری توسط دادگاه یا مرجع نظارتی وجود دارد نیز باید از موارد تجدید نظر توسط خود مرجع داوری نیز تفکیک شود. در هر حال دادگاه یا مرجع نظارتی در ماهیت رای داوری وارد نمی‌شود و

صلاحیت مراجع داوری برای تجدید نظر: .../۱۰۷

نمی‌تواند آن را تغییر داده و یا نقض نماید. صلاحیت این گونه مراجع ابطال رای داوری با درخواست یکی از اصحاب دعوی و یا اعلام بطلان آن و در هر دو مورد محدود به موارد مصرح در قانون است.^۱ لازم به ذکر است حتی در مواردیکه مراجع عالی نظارتی مجاز به بازنگری در رای داوری شده اند این اختیار به منزله تجویز ورود آنها به ماهیت تلقی نشده و مراجع مذکور بررسی مجدد ماهوی موضوع را به مرجع داوری واگذار می‌نمایند.^۲

پس به طور اجمالی و در مقام تحریر محل نزاع باید گفت: اولاً امکان تجدید نظر توسط مراجع داوری در موارد مصرح در موافقتنامه داوری و یا قانون شکلی حاکم بر داوری محل بحث نیست. ثانیاً، در خواست ابطال حکم داوری از دادگاه یا مرجع نظارتی تجدید نظر تلقی نمی‌شود. ثالثاً، اعلام بطلان رای داور توسط دادگاه و عدم شناسایی و اجرای آن از محدوده این بحث خارج است. بنابراین، محل بحث در این مقاله تجدید نظر توسط مرجع داوری در فرض سکوت موافقتنامه داوری و قانون شکلی حاکم بر داوری می‌باشد. (نگاه کنید به امیر معزی، ۱۳۸۶: ۴۸۳ به بعد)

الف: پیش بینی تجدید نظر در بعضی از مقررات داوری

اکثر مقررات داوری در مورد امکان تقاضای تجدید نظر در رای داوری و اجابت آن توسط مرجع داوری ساکت هستند. برای مثال در قانون نمونه داوری آنستیرال در مهلت سی روز پس از صدور رای، این امکان را برای اصحاب دعوی فراهم نموده تا درخواست اصلاح هرگونه اشتباه تایپی و تحریری و یا محاسباتی و یا اصلاح اشتباهات مشابه را از مرجع داوری درخواست نمایند.

^۱ مواد ۳۳ و ۳۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، مصوب ۱۳۷۶

^۲ In the introduction to its legal analysis, the Supreme Court underlined that, according to its jurisprudence, the revision of an arbitral award does not lead to a new decision on the merits by the Supreme Court. Rather, after revision, the matter must be returned to the arbitral tribunal that rendered the decision, or to a newly constituted arbitral tribunal, which should render a new decision. Judgment dated 6 October 2010, *Bakker vs. Union Cycliste Internationale*, the Federal Swiss Supreme Court (“Supreme Court”)

همچنین طرفین می‌توانند از مرجع داوری تفسیر و ابهام زدایی از رای را درخواست نمایند و یا چنانچه داوری نسبت به تمام ادعاهای مطروحه رای صادر نکرده باشد، صدور رای تکمیلی را از داوری بخواهند.^۱ همان گونه که ملاحظه می‌شود در این مقررات امکان تجدید نظر در رای داوری پیش بینی نشده است.

در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مقررات مشابهی در ماده ۳۲ قانون با عنوان "اصلاح، تفسیر رای و رای تکمیلی" پیش بینی شده است که البته تجدید نظر تلقی نمی‌شود. لازم به ذکر است که در بند ۲ ماده ۳۳ همین نمونه در مواردیکه به دلیل استناد رای به سند مجعولی که جعلی بودن آن به استناد حکم نهایی ثابت شده باشد و یا به دلیل مکتوم ماندن سندی که در رای موثر بوده امکان درخواست ابطال رای وجود دارد، قانون اصحاب دعوا را مجاز نموده تا قبل از درخواست ابطال رای داوری "از داور تقاضای رسیدگی مجدد نماید، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند." در بند ۴ ماده ۳۲ قانون نمونه داوری آنسترال ۱۹۸۵ نیز مقرر شده دادگاه هنگامی که از او تقاضای ابطال رای می‌شود، می‌تواند در موارد مناسب و حسب تقاضای یکی از اصحاب دعوی، به منظور فرصت دادن به دیوان جهت رسیدگی مجدد و یا مرتفع نمودن موجبات ابطال رای، رسیدگی به درخواست ابطال را برای مدت زمانی که خود تعیین می‌کند، معلق کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹. **Article 33**

- Within thirty days after the receipt of the award, either party, with notice to the other party, may request the arbitral tribunal to correct in the award any errors in computation, any clerical or typographical errors, or any errors of similar nature. The arbitral tribunal may within thirty days after the communication of the award make such corrections on its own initiative.
- Such corrections shall be in writing, and the provisions of article 32, paragraphs 2 to 7, shall apply. (emphasize added)

صلاحیت مراجع داوری برای تجدید نظر: .../۱۰۹

ماده ۵۱ کنوانسیون ایکسید مربوط به حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاریهای خارجی^۱ یکی از معدود متونی است که صراحتاً امکان تجدید نظر در آرای صادره توسط این مرکز را تجویز کرده است. بند یک این ماده مقرر می‌دارد: هر طرف می‌تواند تقاضای تجدید نظر را با ارائه درخواست مکتوبی خطاب به دبیر کل و بر اساس کشف واقعیات جدیدی که به نحو موثری رای را متأثر می‌کند بنماید، مشروط بر اینکه در زمان صدور رای حقیقت مزبور برای هیئت داوری و متقاضی مکتوم بوده و مکتوم ماندن حقیقت برای متقاضی ناشی از قصور او نباشد.^۲ (پیران، ۱۳۸۹: ۳۳۶)

ب: تجدید نظر در مقررات دیوان داوری ایران-ایالات متحده

در آیین داوری دیوان داوری ایران-ایالات متحده که همان مقررات آنسیترال با اصلاحات ضروری مورد نظر است، حکمی مشابه با ماده مربوطه در آنسیترال پیش بینی شده است که به موجب آن صرفاً امکان تصحیح اشتباهات تحریری و محاسباتی و رفع ابهام از رای و نیز درخواست صدور رای تمیمی و تکمیلی وجود دارد، بدون اینکه متعرض تجدید نظر در ماهیت شده باشد.^۳ اضافه نمودن این نکته نیز ضروری است که طبق ماده ۴ بیانیه حل و فصل از مجموع

^۱ برای آشنایی بیشتر با این مرجع نگاه کنید به شهبازی نیا، مرتضی، حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری خارجی"، ص ۱۱-۱۵۱

^۲ Article 51 of ICSID Convention

(1) Either party may request revision of the award by an application in writing addressed to the Secretary-General on the ground of discovery of some fact of such a nature as decisively to affect the award, provided that when the award was rendered that fact was unknown to the Tribunal and to the applicant and that the applicant's ignorance of that fact was not due to negligence. (emphasize added)

^۳ Members of the Tribunal shall be appointed and the Tribunal shall conduct its business in accordance with the arbitration rules of the United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL) except to the extent modified by the Parties or by the Tribunal to ensure that this Agreement can be carried out. The UNCITRAL rules for appointing members of three-member tribunals shall apply *mutatis mutandis* to the appointment of the Tribunal. (Article III of the Claims Settlement Declaration)

بیانیه های الجزایر (محبی، ۱۳۹۰: ۵۹۰) و ماده ۳۲ قواعد رسیدگی در دیوان (صلح چی، ۱۳۸۷: ۳۷۰)، کلیه تصمیمات این دیوان نهایی و لازم الاجرا می باشد.^۱

ج: رویه شعب دیوان در مورد تقاضای تجدید نظر

در طول متجاوز از سی سال فعالیت دیوان در موارد متعددی از سوی هر یک از اصحاب دعوی تقاضای تجدید نظر نسبت به رای صادره از شعب سه گانه انجام شده و شعب نسبت به آن تقاضاها اظهار نظر نموده اند. دیوان بطور کلی در این موارد همواره ضمن اذعان به فقدان مقررات صریح در باب تجدید نظر در بیانیه های الجزایر و نیز مقررات شکلی رسیدگی دیوان، برای خود در مواردی استثنایی و با استناد به قاعده صلاحیت یا اقتدار ذاتی، صلاحیت تجدید نظر را قائل شده اما از اعمال این اختیار به دلیل منطبق نبودن مورد با حالات استثنایی که در آنها تجدید نظر می تواند تجویز شود، امتناع ورزیده است. شعب دیوان با استناد به رویه سایر مراجع بین المللی^۲ برای خود نوعی صلاحیت یا اقتدار ذاتی در مواردیکه صراحتاً در صلاحیت آنان ذکر نشده اما وجود صلاحیت در آن موارد لازمه اداره صحیح آن تشکیلات است را قائل بوده و به همین رو وجود صلاحیت در تجدید نظر در آراء مرجعی را که در طول مدت زمانی نسبتاً طولانی به حل و فصل اختلافات و دعاوی متعدد و بزرگی می پردازد را لازمه و ضرورت عملکرد صحیح دیوان قبل از

¹ Article IV

(Claims Settlement Deceleration) 1. All decisions and awards of the Tribunal shall be final and binding. Art. 32.2: The award shall be made in writing and shall be final and binding in the parties. The parties undertake to carry out the award without delay.

² The International Court of Justice, in its 13 July 1954 Advisory Opinion in Effect of Awards of Compensation Made by the United Nations Administrative Tribunal recognized that the power to revise, in special circumstances, a final and binding award is an inherent power.

صلاحیت مراجع داوری برای تجدید نظر: .../ ۱۱۱

پایان یافتن ماموریتش، در مواردی نظیر صدور رای بر اساس تقلب، جعل و ارتشاء دانسته اند) 29
1. (IRAN-U.S. C.T.R. 383, 390).

در پرونده معروف دیگری بنام *Harold Brinbaum*²، شعبه دوم دیوان پس از طرح تردیدهای متعددی در وجود صلاحیت ذاتی دیوان برای تجدید نظر نه تنها امکان تجدید نظر را در موارد استثنایی فوق مرتفع ندانسته بلکه آن را محدود به مواردی مانند تقلب هم ندانسته است. اکثریت قضات این شعبه به سکوت معاهده (بیانیه های الجزایر) که در دوره معاصر امضا شده در باب تجدید نظر و همچنین علم و اطلاعی که طرفین علی الاصول از ضرورت وجود نص برای ایجاد صلاحیت داشته اند و نیز اطلاع طرفین تنظیم کننده معاهده به رویه ها و تردید های مطروحه در این مورد استناد نموده اند، و در نتیجه وضعیت موجود را نوعی سکوت در مقام بیان تلقی کرده اند و فضای چندان مناسبی را برای احراز صلاحیت ذاتی برای دیوان در این خصوص ترسیم نکرده اند. در کنار این حقایق، شعبه در این تصمیم خود به ویژگی نهایی و لازم الاجرا بودن آرای دیوان و سکوت طرفین قرارداد نیز توجه نمود. (29 IRAN- U.S. C.T.R. 260)

د: رویه و موضع هیئت عمومی دیوان در مورد تجدید نظر

در اینجا به نقل دو رویه و نظر از هیئت عمومی دیوان می پردازیم. یکی نظر دیوان در ضمن رای پرونده معروف به ب-۶۱ (38 IRAN-U.S. C.T.R. 197) و دیگری تصمیم دیوان در پاسخ به درخواست تجدید نظر ایران از این رای.

در پرونده ب-۶۱، جمهوری اسلامی ایران معتقد به این بود که تصمیم قبلی دیوان در پرونده الف-۱۵ (28 IRAN-U.S. C.T.R. 28, 139) مبنی بر وجود تعهد ضمنی علیه ایالات متحده آمریکا برای جبران خسارات ناشی از عدم استرداد اموال ایران، به دلیل تشابه کامل دو پرونده از حیث مبانی و استدلالهای حقوقی دارای اعتبار امر مختومه نسبت به دعوای موجود یعنی

¹ Ram International Industries, Inc., et a/ and Air Force of the Islamic Republic of Iran, Decision No. DEC 118-148-1, para. 20 (28 Dec. 1993), reprinted in 29 IRAN-U.S. C.T.R. 383, 390.

² Harold Brinbaum and Islamic Republic of Iran, Award No. 549 1993,, reprinted in 29 IRAN- U.S. C.T.R. 260

ب-۶۱ است و در پرونده حاضر دیوان باید یافته های رای الف-۱۵ را بطور کامل نسبت به اموال موضوع این پرونده اعمال کند. در مقابل ایالات متحده علاوه بر انکار شباهت تام بین دو پرونده و امکان اعمال یافته های حقوقی الف-۱۵ در ب-۶۱ مدعی بود که در فرض وجود شباهت بین دو پرونده و امکان اعمال قاعده اعتبار امر مختوم، رای الف-۱۵ مبتنی بر خطای فاحش حقوقی صادر شده و از اینرو مصرا از دیوان می خواست تا رای مذکور را مورد بازبینی و تجدید نظر قرار دهد.^۱ دیوان در پاسخ به این درخواست ایالات متحده ضمن پذیرش اعتبار قضیه محکوم بها برای رای الف-۱۵ به نسبت پرونده ب-۶۱، و همچنین پذیرش استثنا بر قاعده اعتبار امر مختوم در موارد وجود خطای فاحش، تقاضای ایالات متحده برای بازنگری در رای الف-۱۵ را به دلیل فقدان خطای فاحش حقوقی رد کرد.^۲ قابل ذکر است که در این رای که در تاریخ هفدهم ژوئیه ۲۰۰۹ صادر شد، دیوان نه تنها خود را فاقد صلاحیت برای تجدید نظر ندانست، بلکه حتی نگفت که وجود خطای فاحش حقوقی در رای موجهی برای تجدید نظر نمی باشد.^۳ هیئت عمومی دیوان به فاصله کوتاهی پس از صدور رای ب-۶۱ که در آن ورود خسارت به ایران را در نتیجه امتناع ایالات متحده از استرداد اموال ایران مسلم ندانسته و در نتیجه ایران را از این جهت به بی حقی محکوم نموده بود، با درخواست مستقل ایران برای تجدید نظر در آن رای

^۱Islamic Republic of Iran and United States of America, Award No.601-A3/A8/a9/A14/B61, FT (17 July 2009), reprinted un 38 Iran-U.S. C.T.R. 197

^۲ به نقل از رای ب-۶۱ دیوان:

- The United States argues that,, there are compelling grounds for the Tribunal to revisit its earlier findings of law in this matter. The United States argues that the Tribunal is not bound by its earlier findings of law and enjoys a latitude to reexamine issues and, when appropriate, to depart from those findings. (Para. 57)
- No res judicata –effect attaches to a decision ... that is the result of a manifest error of law. (Para 127)
- The Tribunal ... does not agree that its prior finding of an implicit obligation to compensate in Case No. A15 constitutes a “manifest error of law”. (Para 128; Op.cit)

^۳ رای ب-۶۱ با امضای ۵ داور (سه داور منصوب آمریکا به همراه رییس وقت دیوان و سرداور شعبه سوم) و با نظر مخالف ۴ داور دیگر (سه داور ایرانی و سرداور شعبه اول) صادر شد.

صلاحیت مراجع داوری برای تجدید نظر: .../۱۱۳

به دلیل وجود خطاهای فاحش حقوقی در ماهیت رای و نیز وجود اشتباهات اساسی شکلی و آیین دادرسی مواجه شد. لازم بذکر است که ایران پس از صدور رای ب-۶۱ در یک واکنش اعتراضی شدید نسبت به رای، اقدام به جرح رئیس دیوان و سرداور شعبه سوم که علاوه بر داوران منصوب آمریکا از جمله تشکیل دهندگان اکثریت در آن رای بودند نمود. و متعاقبا خواستار عدم شرکت دو عضو یاد شده در تصمیم گیرهای مربوط به این درخواست شد. در اینجا دیوان مجبور بود تا صراحتا و مستقلا راجع به صلاحیت خود برای اجابت این درخواست، یعنی تجدید نظر در رای ب-۶۱ اظهار نظر کند.

در این پرونده ایران به استناد رویه های شعب و بویژه تصمیم شعبه دوم در محدود نبودن موارد تجدید نظر به تقلب و جعل برای دیوان صلاحیت ذاتی برای تجدید نظر در رای صادره را به دلیل وجود خطای فاحش حقوقی و اشتباهات اساسی شکلی قائل بود و در مقابل ایالات متحده ایالات متحده منکر وجود چنین خطا و اشتباهی بوده و حتی در فرض وجود چنین مواردی آنها را موجباتی برای تجدید نظر نمی دانست.^۱

هیئت عمومی دیوان در تصمیم مورخ اول ژوئیه ۲۰۱۱ که در مورد درخواست تجدید نظر مطروحه توسط ایران اتخاذ نمود، مقدماتاً^۱ به نقل رویه های معمول به در شعب دیوان به شرح پیش گفته پرداخت. سپس در مقام انشای رای در پرونده حاضر، ابتدائاً در پاسخ به سوال وجود صلاحیت یا اقتدار ذاتی برای دیوان چنین مقرر نمود:

" به عنوان یک موضوع کلی، دیوان می پذیرد که مراجع داوری بین المللی، همانند دیوان موجود، دارای صلاحیت های ذاتی معینی هستند. صلاحیت های ذاتی، صلاحیت هایی هستند که صراحتاً به دیوان اعطا نشده اند اما می بایست به عنوان نتیجه قصد اساسی طرفین به ایجاد یک مرجع داوری بین المللی تلقی شود. گفته شده که منبع پیدایش صلاحیت ذاتی برای دادگاههای بین المللی ضرورت اجرای وظایف آنها به نحو صحیح است. بنابر این دیوان به این نتیجه رسیده

^۱ نگاه کنید به پاراگراف های ۳۶ و ۳۷ تصمیم مورخ اول ژوئیه ۲۰۱۱ دیوان، (قابل دسترسی در www.iusct.net)

است که دارای صلاحیت ذاتی برای صدور دستورهایی است که برای حفظ حقوق طرفین لازم و حفظ صلاحیت و اقتدار دیوان ضروری است.^۱

در ادامه دیوان به تنوع رویه ها و تشتت آرای مراجع و حقوقدانان در خصوص موضوع اشاره می کند و ضمن اذعان به پذیرش صلاحیت ذاتی در یکی از تصمیمات دیوان دادگستری بین المللی در نظر مشورتی خود (مورخ سیزدهم ژوئیه ۱۹۵۴) اضافه می کند که متعاقب این رای امکان تجدید نظر در احکام دیوان اداری سازمان ملل متحد در مجمع عمومی سازمان ملل پذیرفته شده و کمیسیون ویژه ای برای نظام مند کردن آن تشکیل شد. مجمع عمومی سازمان ملل متعاقبا اصلاحاتی را در اساسنامه دیوان اداری مزبور به عمل آورد که صراحتا اجازه تجدید نظر در احکام خود را بر اساس واقعیات جدید به او می داد.

دیوان داوری ایران - ایالات متحده در تعیین محدوده صلاحیت ذاتی دادگاهها و دیوان های بین المللی توجه به ویژگی های خاص هر دادگاه یا دیوان به خصوص اوضاع و احوال تاسیس آن، هدف و منظور اساسنامه آن و رضایت طرفین به گونه ای که در اساسنامه بیان شده است را مد نظر قرار داده و سپس به بیان تاریخچه و اهداف تنظیم بیانیه های الجزایر و پیش بینی تشکیل دیوانی برای حل و فصل اختلافات معینی پرداخت و نتیجه گرفت که حل و فصل قطعی دعاوی مطروحه یکی از اهداف عمده بیانیه ها بود که در بیانیه های الجزایر نیز به قطعی و لازم الاجرا بودن تصمیمات نیز تصریح شده است و نتیجه گرفت:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ The Tribunal now turns to the question of inherent powers of international courts and tribunals. As a general matter, the Tribunal accepts that an international arbitral tribunal, such as the present one, possesses certain inherent powers. Inherent powers "are those powers that are not explicitly granted to the tribunal but must be seen as a necessary consequence of the parties' fundamental intent to create an institution with a judicial nature.,, It has been suggested that "the source of the inherent powers of international courts is their need to ensure the fulfillment of their functions.,, Thus, for example, the Tribunal has held that it has "an inherent power to issue such orders as may be necessary to conserve the respective rights of the Parties and to ensure that this Tribunal's jurisdiction and authority are made fully effective." (Para 59, July 1st 2011, op.cit)

صلاحیت مراجع داوری برای تجدید نظر: .../۱۱۵

"به عقیده دیوان، برای پرهیز از برهم زدن ساختار و اجرای دقیق بیانیه های الجزایر که اسنادی حساس از نظر سیاسی هستند، دیوان باید در احراز اختیارات ذاتی برای خود بویژه احتیاط پیشه کند."^۱

در نهایت دیوان با توجه به دو نکته مهم نتیجه گیری نهایی خود را مبنی بر اینکه "دیوان آماده اعلام نظر در مورد اینکه آیا صلاحیت ذاتی برای تجدید نظر در احکام قطعی و لازم الاجرا را دارد یا خیر نمی باشد." اعلام نمود. دو نکته ای که دیوان برای این نتیجه گیری بر آن تکیه نمود عبارت بود از اینکه اولاً زمانی که دیوان با مشورت دو دولت متعاقد بیانیه حل و فصل دعاوی، قواعد داوری آنسیترال را اصلاح می کرد، نه دیوان و نه دو دولت پیش بینی تجدید نظر در احکام قطعی و لازم الاجرا را ضروری ندانستند و ثانیاً چنانچه دیوان یا دو دولت متعاقد (ایران و ایالات متحده آمریکا) در هر زمان تدبیر تجدید نظر را ضروری یا مناسب بدانند، مکانیزمی برای این اعمال آن طبق بیانیه حل و فصل و بند یک از ماده یک قواعد دیوان برای اصلاح قواعد دیوان وجود دارد. از اینرو و با توجه به اهمیت موضوع دیوان اعتقاد دارد ویژگی ها و تربیبات خاص تجدید نظر را نمی توان در چارچوب تصمیم دیوان در یک پرونده خاص تعیین نمود بلکه در چارچوب اصلاح قواعد دیوان با دقت و موشکافی خاص باید انجام گیرد.^۲

در بند بعدی همان تصمیم، دیوان اشتباهات فاحش حقوقی و یا خطاهای اساسی در جریان دادرسی را نوعاً از موجبات موجه تجدید نظر ندانسته و با استناد به اساسنامه ها و قواعد دادرسی سازمانهایی که در آن تجدید نظر در مواردی تجویز شده است، تجدید نظر را صرفاً در مواردی چون کشف واقعیت جدید موجه دانسته است. مع الوصف از ورود به رسیدگی به ادعاهای ایران در مورد خطای فاحش حقوقی در ماهیت و یا اشتباهات اساسی در دادرسی و سایر ادعاهای ماهوی و شکلی ایران و مدافعات ایالات متحده خودداری کرده و در نهایت حکم بر رد درخواست ایران برای بازنگری در حکم جزئی صادره در پرونده ب-۶۱ صادر می کند. این

^۱ پاراگراف های ۶۱ و ۶۲ و نقل مستقیم پاراگراف ۶۳ تصمیم ۹۶۱ مورخ اول ژوئیه ۲۰۱۱ قابل دسترسی در

www.iusct.net

^۲ پاراگراف ۶۳ همان تصمیم (همان منبع)

تصمیم به حکایت بند ۶۹ آن به اتفاق آراء و بدون اینکه هیچ یک از اعضاء نظر مخالفی به ثبت برسانند اتخاذ شده است.^۱

ج: نقد تصمیم اول ژوئیه ۲۰۱۱

در این تصمیم دیوان با اینکه صلاحیت و اختیار ذاتی را برای خود در مواردی همچون صدور دستور موقت و قرارهای تأمینی می پذیرد اما از احراز این صلاحیت برای خود در موضوعی چون تجدید نظر احتراز می کند و آن را موکول به اصلاح مقررات شکلی دیوان و تبیین همه ابعاد و جهات آن می کند. دیوان این موضع خود را با ادله ای چون حمایت از قصد واقعی دولتین متعاقد و احترام به اراده آنها و توجه به نص بیانیه ها و سکوت در مقام بیان و حساسیت سیاسی موضوع قطعیت آرای دیوان مستحکم می کند و در واقع از تعیین تکلیف در مورد یک موضوع مقدماتی صلاحیتی برای رسیدگی به درخواست پیش رو طفره رفته اما در عمل، درخواست جمهوری اسلامی ایران را برای تجدید نظر به اتفاق آراء رد می کند.

این رویکرد بدیع دیوان نسبت به موضوع تجدید نظر که در شعب دیوان هم مسبوق به سابقه نیست با خط مشی های کلی دیوان و برخی از اصول حاکم بر داوری های بین المللی و حتی تصمیمات دیوان در موارد مشابه چندان سازگاری ندارد. دیوان از ابتدای تشکیل در موارد متعددی از نص بیانیه ها فراتر رفته و به مدلولات التزامی و نتایج منطقی بیانیه ها طرفین را ملزم نموده است. برای مثال پذیرش تعهد ضمنی برای ایالات متحده در جبران خسارت وارده به ایران به عنوان یک تعهد ضمنی در پرونده های ب-۱ (ادعای چهار) ^۲ و الف-۱۵^۳ و در نهایت در ب-۶۱^۴ نشان از صلاحیت تفسیری دیوان در حدی فراتر از نص بیانیه ها دارد.^۵ مشابه این رویکرد فرامتنی را می توان

^۱ پاراگراف های ۶۷ الی ۷۰ همان تصمیم

^۲ 19 IRAN-U.S. C.T.R. , 237

^۳ 28 IRAN-U.S.C.T.R., 119

^۴ 38 IRAN-U.S C.T.R., 197

^۵ علومی یزدی، حمید رضا؛ احراز تعهد ضمنی در معاهدات بین المللی، پژوهش حقوق، شماره ۳۳، ۱۹۷، و خلیلیان،

خلیل، دعاوی حقوقی ایران و آمریکا، ص ۴۰

صلاحیت مراجع داوری برای تجدید نظر: .../۱۱۷

در پرونده بسیار حساس سیاسی و صلاحیتی دیگری یعنی الف-۱۸^۱ در تعیین محدوده بیانیه و صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعاوی تابعین مضاعف مشاهده نمود که دیوان حل موضوع را به اراده و توافق صریح متعاهدین احاله نداد و تفسیر خود از متن را علی‌رغم عدم صراحت در صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعاوی تابعین مضاعف اعلام نمود. (محبی ۱۳۹۰: ۲۷۰)

در پرونده ب-۶۱ هم آنگاه که ایالات متحده در خواست بازنگری در رای الف-۱۵ را مطرح نمود، دیوان به فقدان صلاحیت خود استناد نکرد بلکه به دلیل فقدان خطای فاحش حقوقی در الف-۱۵ وارد ماجرا نشد. از دید قواعد کلی حاکم بر داوری، از یک سو داوران باید در حدود صلاحیت خود رای صادر کنند و آرائی که خارج از این حدود باشد قابل ابطال است اما از سوی دیگر تعیین صلاحیت داور بر عهده خود داور است و از این رو، داور و یا هیئت داوری نمی‌تواند از ورود در ماهیت بدلیل یک موضوع صلاحیتی خودداری کند. داور باید در مورد صلاحیت خود تصمیم بگیرد و در صورت احراز صلاحیت در ماهیت وارد شود و در غیر این صورت از ورود در ماهیت خودداری کند. ارجاع یک موضوع صلاحیتی به اصلاح توافقی قواعد رسیدگی دیوان نوعی دور باطل و بی نتیجه را ایجاد می‌کند.

نکته آخر اینکه دیوان می‌توانست به سادگی و با توجه به اصول حاکم بر تفسیر معاهدات که در ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین هم منعکس است با تفسیر معاهده به کمک رفتارهای بعدی طرفین صلاحیت خود را برای تجدید نظر در موضوع احراز کند. توضیح مطلب اینکه هر دولت جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در مواردی تقاضای تجدید نظر در آرای قطعی و لازم الاجرای دیوان را از دیوان نموده‌اند. دست کم در پرونده ب-۶۱ این ایالات متحده بود که مدعی بود خطای فاحش حقوقی در الف-۱۵ باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و در همین درخواست حاضر این جمهوری اسلامی ایران بود که از دیوان تقاضای تجدید نظر در رای جزئی ب-۶۱ را به دلیل اشتباهات فاحش حقوقی و خطاهای اساسی در دادرسی را درخواست نموده بود. قدر متیقن از این دو درخواست وجود صلاحیت برای دیوان در تجدید نظر در آرای قطعی و

¹ 5 IRAN-U.S. C.T.R., 258

² (b) any subsequent practice in the application of the treaty which establishes the agreement of the parties regarding its interpretation;

لازم الاجرا به نظر دو دولت متعاهد در بیانیه های الجزایر است و آن هم نه محدود به موارد جعل و فریب و ارتشاء، بلکه حتی در موارد وجود خطاهای فاحش حقوقی در رای به هر دلیل. قابل ذکر است که دیوان دقیقا با همین استدلال در پرونده دیگری معروف به ادعای متقابل ب- ۱ صلاحیت خود را برای رسیدگی به دعاوی متقابل علی رغم سکوت بیانیه ها در این خصوص احراز نموده است. در این پرونده دیوان با توجه به بندهای یک و دو از ماده دو بیانیه حل و فصل و حتی با عنایت به هدف، موضوع و زمینه این مواد با قطعیت به این نتیجه که دیوان دارای صلاحیت غیر قابل تردید نسبت به پرداختن به دعاوی متقابل است نرسید. اما دیوان استدلال می کند که چون هر دو دولت ایران و ایالات متحده در مواردی دعاوی متقابل در دیوان مطرح نموده اند و بنا بر رفتارهای بعدی طرفین معاهده و تفسیر بند دو از ماده دو بیانیه حل و فصل، دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی متقابل ب- ۱ را برای خود احراز نموده و در نتیجه بدلیل وجود یک دعاوی پابرجا علیه ایران، ایران باید حساب امانی را تاسقف مقرر در بیانیه ها پر نماید. (Yearbook Comm. Arb'n, XXX 2005, 303, & 304)

با توجه به آنچه گفته شد، دلیل عدول دیوان از رویه های قبلی و متعارف خود در تصمیم حاضر چندان موجه به نظر نمی رسد و دلایلی که برای عدم صلاحیت ذکر نموده قانع کننده نمی باشد. شگفت آور اینکه این تصمیم با اجماع اعضا و بدون نظر مخالف اتخاذ می شود در حالی که برخی از امضا کنندگان این تصمیم در شعب خود و یا حتی در هیئت عمومی دیوان امضا کننده تصمیماتی با رویکردها و نتایج متفاوتی بوده اند.

نتیجه گیری

تجدید نظر در تصمیمات و آرای دیوان ها و مراجع داوری بین المللی، هر چند نه به عنوان اصل، اما به عنوان یک استثناء و در مواردی محدود در رویه های موجود پذیرفته شده است. ضرورت وجود تجدید نظر، تدوین کنندگان بسیاری مقررات جدید داوری را بر آن داشته تا صراحتا امکان و موارد تجدید نظر را در مقررات خود پیش بینی کنند. در مواردی که تصریحی بر صلاحیت در تجدید نظر برای مرجع داوری وجود ندارد، با استناد به صلاحیت یا اختیار ذاتی نوعا این صلاحیت را مراجع داوری برای خود محرز می دانند. در تصمیم مورخ اول ژوئیه ۲۰۱۱ دیوان داوری ایران- ایالات متحده، این مرجع سکوت مقررات شکلی و اسناد موسس دیوان را نوعی سکوت در مقام بیان دانسته و احراز صلاحیت در تجدید نظر برای خود را موکول به بیان صریح اراده آنان از طریق

صلاحیت مراجع داوری برای تجدید نظر: .../۱۱۹

اصلاح مقررات شکلی دیوان دانسته است. این تصمیم نه تنها با رویه و تصمیمات قبلی دیوان از حیث روش و نتیجه مطابقت ندارد، بلکه موجب رویکردی مضیق به صلاحیت های تفسیری دیوان و استثنائی بر قاعده صلاحیت در صلاحیت در داوری خواهد شد. در هر حال دیوان نتوانسته دلایل قانع کننده ای برای عدول از رویه و اصول پیش گفته ارائه کند و این بدعت را به مناسبتی توجیه نماید.

فهرست منابع

۱. پیران، حسین، "مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی"، گنج دانش، تهران ۱۳۸۹
۲. خلیلیان، خلیل، "دعاوی حقوقی ایران و آمریکا مطرح در دیوان داوری لاهه"، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۸۲
۳. محبی، محسن، "دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده آمریکا : ماهیت، ساختار، عملکرد" (ترجمه محمد حبیبی)، شهردانش، تهران ۱۳۹۰
۴. صلح چی، محمد علی و نژندی منش، هیبت الله، "اسناد بین المللی راجع به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی"، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷
۵. امیر معزی، احمد، "داوری بین المللی در دعاوی بازرگانی"، انتشارات دادگستر، تهران ۱۳۸۷
۶. شهبازی نیا، مرتضی، "حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری خارجی"، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران ۱۳۸۶
۷. علومی یزدی، حمید رضا، "احراز تعهدات ضمنی در معاهدات بین المللی"، پژوهش حقوق، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۰، ۲۱۲-۱۹۷